



مواجهه غرب مسیحی با خیزش شیعی

□ غرب جدید مسیحی و تشکل حزب... آمریکا ای!

۱۵۳۳ کتاب «مسیح یهودی متولد شد» را به رشته تحریر درآورد و به یهودیان به عنوان فرزند پروردگار اعتبار بخشید و عهد قدیم را مرجع والاترین اعتقادات مسیحی دانست.

در سال ۱۵۳۸ وقتی به دستور هنری دوم، انگلستان از کلیسای کاتولیک جدا شد، مسیحیت یهودی یا یهودیت گرا همراه با جنبش اصلاح دین در انگلستان رونق یافت.

در قرن ۱۶، اعتقاد به طرح خداوند برای پایان تاریخ از سوی مسیحیت یهودی، وارد مناقشات مذهبی شد. براساس این اعتقاد، تاریخ خداوندی با ظهور مسیح و آغاز هزاره خوشبختی آغاز خواهد شد. در این میان کتاب دانیال (عهد قدیم) و مکاشفات یوحنا (عهد جدید) مورد تفسیر جدید قرار گرفت که براساس آن، پیش از آمدن مسیح برای حکومت بر جهان در هزاره خوشبختی، دو گام عظیم برداشته خواهد شد:

الف) بازگشت یهودیان به صهیون (اورشلیم)

ب) ساخت معبد سلیمان.

از این رو انگلستان قرن ۱۶ این رسالت مقدس را بر عهده گرفت تا یهودیان را پیش از آمدن مسیح و حکومت بر جهان، به اورشلیم اعزام کند.

این خیزش در دوران رنسانس رونق بیشتری یافت. جان لاک (بنیانگذار لیبرالیسم) روسو (فیلسوف

شاید بسیاری غرب جدید را فقط غرب فوق صنعتی بدانند، اما واقعیت این است که غرب جدید؛ غربی است با رویکرد مذهبی به منازعات کلان سیاسی و پایان تاریخ!

مواجهه غرب با جهان اسلام را هم لااقل می توان به سه دوره مهم تقسیم کرد: الف: دوره جنگ های صلیبی ب: دوره استعمار همزمان با انقلاب صنعتی در غرب ج: از تأسیس دولت اسرائیل توسط غرب به این سو.

همین دوره اخیر، دوره غرب جدید است که برای یافتن مختصات آن، باید تاریخ را گذرا نظارت کنیم.

قرن ۱۵ میلادی: در این قرن، یهودیان در تمدن مسیحی اروپا طرد شده، و داشته می شدند که در مناطق محصور (گتو) زندگی کنند. کلیسای کاتولیک سقوط اورشلیم و پراکنده شدن قوم اسرائیل را مجازاتی از جانب خداوند می دانست که به دلیل صلیب کردن مسیح بدان گرفتار شدند. از این رو کوشیدند تا یهودیان را از اروپا بیرون برانند یا آنان را از آیین یهود برگردانند. در کشورهای مثل پرتغال و اسپانیا این اتفاق افتاد.

قرن ۱۶ میلادی: در این قرن، جنبش اصلاح دینی (پروتستانتیسم) جریان مسیحیت یهودی را پدید می آورد. مارتین لوتر (مؤسس پروتستان) در سال



کلیساهای افراطی و انعطاف‌ناپذیر افزایش یافت، شبکه‌های تلویزیونی مذهبی (مثل cbn) و کلیساهای تلویزیونی تأسیس شد. سازمان‌های راست مسیحی، گفت‌وگوهای اصولگرایانه‌ای را آغاز کردند که مضمون آن آماده ساختن آمریکا برای بازگشت مجدد مسیح و پایان جهان بود. بازگشت یهودیان به قدس پس از جنگ ۱۹۶۷، نشانه‌ای از صحت پیشگویی‌های تورات و گام ما قبل آخر بازگشت مسیح تلقی شد. (گام آخر بازسازی معبد سلیمان است). رشد جریان راست مسیحی، آن را به یک نیروی مؤثر در انتخابات ریاست جمهوری و کنگره درآورد و ۲۵ درصد از مجموع رأی‌دهندگان آمریکا (ده برابر رأی دهندگان یهودی) در دهه ۹۰ را به خود اختصاص داد.

ائتلاف راست مسیحی با راست سیاسی در داخل حزب جمهوری خواه، تشکیلی را به وجود آورد که به نام «حزب آمریکا» شناخته می‌شود. رونالد ریگان، نامزد حزب جمهوری خواه، در سال ۱۹۸۰ با کشیش بیلی گراهام، رهبر سازمان جوانان مسیح و کشیش جری فالویل رهبر سازمان اکثریت اخلاقی ائتلاف نمود و بدین ترتیب در انتخابات پیروز شد. او در واقع کاندید حزب... بود!

بالاخر اینکه حزب جمهوری خواه، در انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری در سال ۱۹۸۸، اصلاً به یک کشیش (پات رابرتسون رهبر ائتلاف مسیحی) اجازه داد که خود را نامزد نماید. این امر در انتخابات اولیه ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰ نیز تکرار شد و گری بوئر نماینده راست مسیحی خود را نامزد کرد. بسیار جالب است، در کشور سکولار که جریانات بنیادگرا در جهان اسلام را سرکوب می‌کند و خواستار جدایی آیت...ها از سیاست در ایران است، خود گام‌هایی برمی‌دارد که احتمالاً در دهه‌های آتی، رییس جمهور آمریکا یک کشیش بنیادگرا و مسیحی صهیونیسم خواهد شد!

گرچه این کشیش‌ها نتوانستند رأی حزب را با اکثریت کسب کنند، اما حزب (بوش) که نماینده این جریان است و با کمک جنبش مسیحیت بنیادگرا و صهیونیسم رأی آورد؛ امروز خود را سرباز مسیح می‌داند و در همه اردوگاه‌های اشغالگران در عراق، تابلوی ظهور مسیح با حمایت تفنگداران آمریکایی را نصب کرده است.

قراردادهای اجتماعی) کانت و جان میلتون همگی طرفدار اندیشه تأسیس اسرائیل بودند. از این رو جنبش صهیونیسم مسیحی چند دهه پیش از صهیونیسم یهودی (۱۸۹۷) شکل گرفت.

در قرن ۱۷ با مهاجرت پیوریتن‌ها به آمریکا، این جنبش به اوج خود رسید. آنها این تفکر را با خود به آمریکای کشف شده بردند و آن را اسرائیل جدید نامیدند. به زبان عبری نماز می‌خواندند و نام فرزندانشان را از داستان‌های تورات انتخاب می‌کردند. اولین کتابی که در آمریکا به چاپ رساندند، «مزامیر داود» بود. با قتل عام سرخپوست‌ها، یک کشور بزرگ برای جنبش مسیحیت یهودی‌گرا - که از انگلستان شروع شده بود - پدید آمد.

در قرن ۱۸، این تفکر مسیحی بنیادگرا مبتنی بر بازگشت یهود به فلسطین برای پایان تاریخ و آغاز هزاره خوشبختی با ظهور مسیح، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ آمریکایی و وجدان مردم آنجا یافت.

در قرن نوزدهم، صهیونیسم مسیحی آمریکایی، در مورد اقامت یهود در فلسطین، از دیگران پیشی گرفت. رهبر این حرکت ویلیام بلاکستون - مبلغ مسیحی پروتستان - بود که طی نامه‌ای به هریسون رییس جمهور آمریکا، از وی خواست برای بازگرداندن یهودیان به فلسطین دخالت کند. موضع بلاکستون حتی شدیدتر از هر تزل (مؤسس صهیونیسم یهودی) بود که اندیشه ایجاد یک سرزمین قومی را برای یهودیان در قبرس یا اوگاندا پیشنهاد می‌کرد و بلاکستون نسخه‌ای از تورات را که صفحاتی از آن را علامت زده بود، برای هر تزل فرستاد و به او یادآوری کرد که تورات، فلسطین را به عنوان سرزمین موعود برای قوم برگزیده تعیین کرده است.

در قرن بیستم، این اندیشه در اعتقادات دینی و فرهنگ مردم آمریکا رسوخ کرد و به دولتمردان هم راه یافت. جیمی کارتر در مارس ۱۹۷۹ در پارلمان اسرائیل گفت: «هفت تن از رؤسای جمهور آمریکا به این حقیقت ایمان آورده‌اند که روابط آمریکا و اسرائیل، فراتر از یک رابطه خصوصی است. این رابطه در وجدان، اخلاق، دیانت و معتقدات مردم آمریکا ریشه دارد. ما میراث تورات را با شما با هم تقسیم می‌کنیم». از آغاز سال ۱۹۷۶ رشد و گسترش این مسیحیت سیاسی بنیادگرا (اصطلاحاً راست مسیحی) را شاهدیم. به طوری که بین یک پنجم تا یک سوم آمریکاییان، از نو غسل تعمید به جای آوردند که به مسیحیان از نو متولد شده معروفند. پیروان